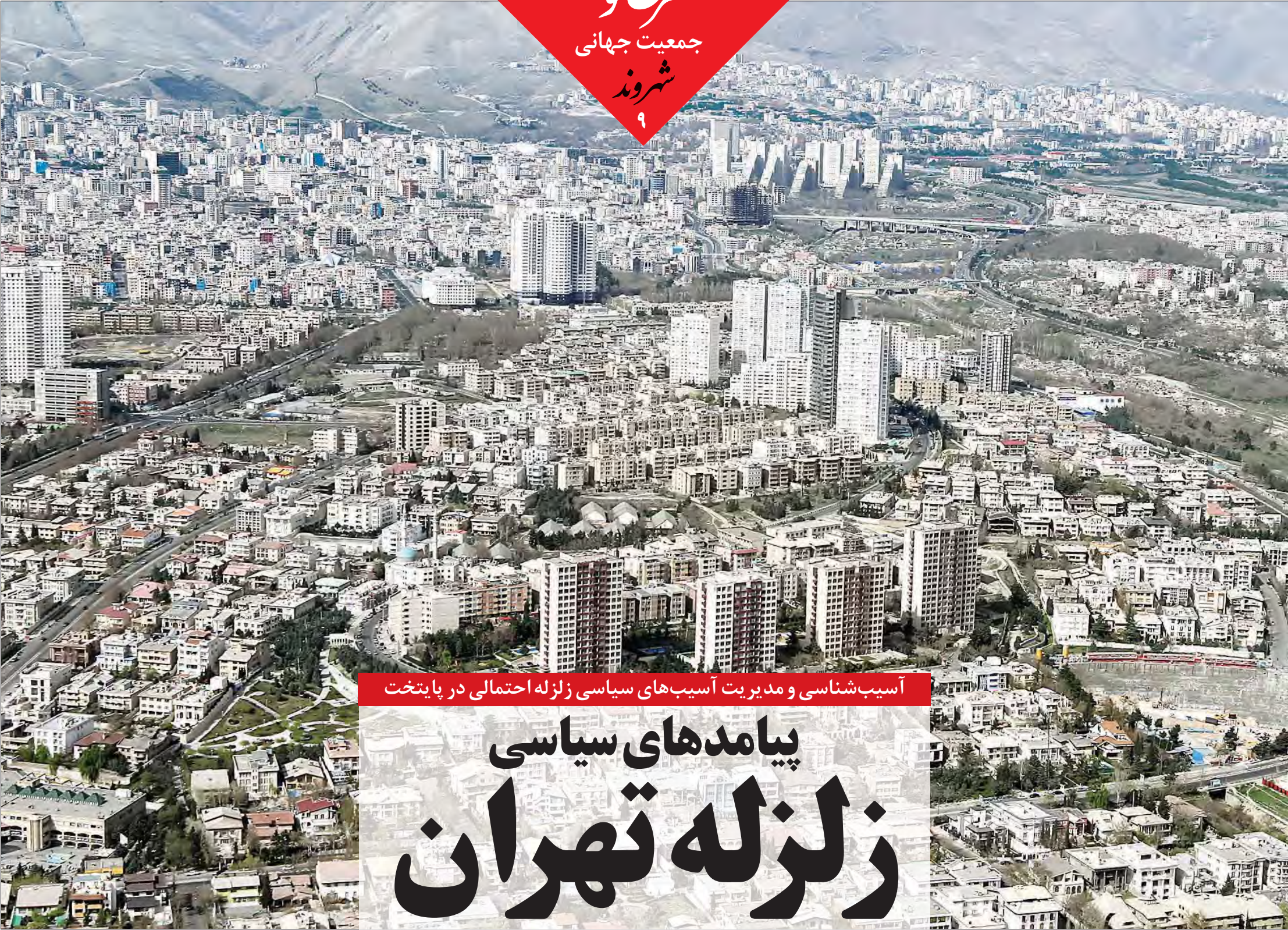


طرح نو جمعیت جهانی شهرود ۹



آسیب شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی در پایتخت

پیامدهای سیاسی زلزله تهران

در تهران ۱۵ گسل شناسایی شده که ۳ گسل آنها هر کدام به تنهایی پتانسیل ایجاد زلزله‌ای بیش از ۷ ریشتر را دارند که خب این مسأله بسیار جدی و خطرناکی است، بحث‌های فراوانی هم شده است که وقوع این زلزله احتمالی چه آسیب‌ها و خسارت‌های مالی و فیزیکی به بافت شهری و مردمانش خواهد زد، حتی حرف از ۴ میلیون کشته هم شده است اما می‌خواهم از منظر دیگری به موضوع نگاه کنیم، این بحران احتمالی چه تأثیری بر نظام سیاسی کشور می‌گذارد، یعنی وقتی که زلزله‌ای مخرب در پایتخت سیاسی و اقتصادی یک کشور رخ داده است؟

رو هم رفته، در صورتی که نظام اجتماعی شهری (که سیستم سیاسی در قالب آن فعالیت می‌کند) دارای ساختار قدرتمندی باشد، وقوع زلزله و حوادث پس از آن در شهر، نه تنها بحران را خواهد شد، بلکه فرصت مناسبی برای احیای ضعف‌های سیستم سیاسی پدید می‌آورد، مانند آنچه در کشورهای جنوب شرق آسیا اتفاق افتاد. اما در جهت عکس، ساختار شهری نامناسب و ضعیف به‌طور بالقوه نظام سیاسی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. به گفته متخصصان، نظام اجتماعی و شهری تهران دارای پتانسیل‌های بحران‌زایی گسترده است که در صورت بروز یک حادثه انسانی مثل جنگ یا طبیعی مثل زلزله، بحران‌های متعددی را دامنگیر نظام سیاسی می‌کند. نظام اجتماعی شهری به‌عنوان محیط پیرامونی سیستم سیاسی دارای پتانسیل بحران‌زایی است. این بحران با چه مکانیزمی اثرگذار خواهد بود، روشن‌تر بگوییم، ما می‌دانیم که مراکز پل‌ها خراب می‌شوند، بیمارستان‌ها و مراکز امدادی دچار مشکل می‌شوند یا تعداد بالای تلفات احتمال بیماری‌های واگیردار را افزایش می‌دهد اما این موضوع چطور نظام سیاسی را درگیر می‌کند، به‌خصوص که می‌دانیم طبق مطالعات انجام شده اکثر نهادهای سیاسی - اجتماعی کشور در حوزه پنجم خطر قرار دارند و بنابراین احتمالا ویرانی گسترده‌ای شامل آنها نمی‌شود؟

به‌طور کلی نامتی‌های اجتماعی ناشی از زلزله در دو سطح قابل مطالعه است. نخست نامتی‌هایی که احتمالاً در فقدان مرکز نظامی - امنیتی در قالب فساد، قتل و غارت ایجاد می‌شوند و دوم نامتی‌هایی که ناشی از شرایط وقوع زلزله و همچنین مدیریت آن است. در فقدان مراکز نظامی - امنیتی و فضای متشنج پس از زلزله، عرصه مناسبی برای انجام اقدامات خرابکارانه ضد نظام سیاسی فراهم می‌شود. در این شرایط سیستم سیاسی از جانب هر دو محیط اجتماعی داخلی و محیط خارجی مورد تهدید واقع می‌شود. در عرصه داخلی، در صورتی که نهادها و

مراکز نظامی - امنیتی در اثر زلزله تخریب و دچار ناآبادی شده باشند، نامتی سیاسی بر محیط اجتماعی مستولی شده و فضا را برای ظهور سایر بحران‌های سیاسی - اجتماعی مهیا می‌کند. در چنین شرایطی، فرصت مناسبی برای ظهور یا قد برافراشتن گروه‌های معارض ایجاد می‌شود. آن دسته از گروه‌های سیاسی که در دوره حیات نظام، سهم کمتری از قدرت سیاسی داشته‌اند به نسبت ناراضی خود، فضای ایجاد شده را جولانگاه مناسبی برای کسب مشروعیت خود در بدست آوردن بخش‌های از قدرت سیاسی و نیز تخریب پایه‌های نظام سیاسی می‌یابند. بنابراین دور از انتظار نیست که در دوره پس از زلزله، در نبود نظام امنیتی مناسب، این گروه‌ها وارد عرصه مشارکت‌های سیاسی جامعه شده و برای کسب قدرت سیاسی تلاش کنند. آنچه عملاً فعالیت این گروه‌ها را به سمت ایجاد نامتی سیاسی در جامعه سوق می‌دهد، مسأله تخریب مراکز و نهادهای نظامی و سرقت اسلحه است که در هر حال ممکن است باعث بروز جنگ داخلی بین گروه‌ها شود.

وسعت و گستردگی شهر تهران و همچنین عدم استاندارد‌های لازم در زمینه ساخت‌وساز‌های طراحی شهری، وضع بحرانی استثنایی را در شرایط پس از زلزله پدید می‌آورد. این شرایط وخیم که فرصت هر گونه عملکرد مدیریتی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی ساقط می‌کند، فضای متشنجی را برای بروز جنگ‌های داخلی بین گروه‌های سیاسی و حتی در سطح خرد بین افراد و گروه‌های اجتماعی پدید می‌آورد. البته در این شرایط با عموماً در شرایط بحران، احساسات انسانی و همبستگی‌های عاطفی هم مشکل می‌گیرد که این خودش می‌تواند مانع از فرصت‌طلبی‌ها شود؟

نمی‌توان دایماً به وجود احساسات عاطفی در زمان بروز حوادث غیر مترقبه دل خوش کرد و بدون مشاهده تجارب تاریخی و کنکاش پیرامون علل اجتماعی پدید آمدن آنها، پیش‌دوری کرد. این موارد که عملاً در تجربه زلزله‌های قبلی مثل زلزله رودبار نیز تکرار شده است، احتمالاً در تجربه‌های آتی زلزله به‌ویژه در زلزله احتمالی تهران در زمینه گسترده‌تر و با پیامدهای سیاسی - اجتماعی عمیق‌تری خود را نشان خواهد داد.

فکر می‌کنم بخش عمده‌ای از نگرانی شما در این رابطه به بافت فرهنگی شهر برمی‌گردد که قابل تعمیم به تمامی شهرهای بزرگ این چنینی است، درست است؟ هم این نکته و هم این که اصولاً تهران محل سکونت سازمان یافته‌ترین گروه‌های اجتماعی و باندهای سارقان و عاملان فساد است. این مسأله را می‌توان تنها با مطالعه نشریات روزانه و هفتگی این شهر در مورد میزان فساد ایجاد شده درک کرد. تصور این وضع در شرایطی که امنیت دولت کاملاً برقرار است، ناخوابسته این فکر را به ذهن

مهدی افروز منش | امروزه با تکامل جوامع بشری و گسترده شدن سرمایه‌های اجتماعی محیطی، واژه‌های سیل و زلزله تنها منعکس‌کننده مفاهیم مهندسی یا جغرافیای طبیعی نیستند، بلکه به‌گونه‌ای عمیق‌تر بر گفتمان زبان علوم اجتماعی بار شده و فضای متمایزی را روی پژوهش‌های اجتماعی گشوده‌اند. احتمالاً حضور این مفاهیم در گفتمان زبانی علوم اجتماعی ناشی از دو عامل مهم است: نخست این که زندگی اجتماعی بشر امروز آکنده از سرمایه‌های مهم اجتماعی است و طبیعتاً منحصراً نگه داشتن این سرمایه‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از خطرات و آسیب‌های سوانح طبیعی، دل‌نگرانی عمده افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها به‌شمار می‌رود. دوم این که سوانح طبیعی به‌واسطه ماهیت ناگهانی بودن حادثه، قادرند نظم اجتماعی جوامع را نسبت به اثرات عوامل غیر طبیعی همچون جنگ، با آسیب‌های جدی‌تر مواجه کنند. این مفاهیم اجتماعی سوانح طبیعی که مقوله‌ای جدید در حوزه پژوهشی علوم اجتماعی است، به بررسی ابعاد اجتماعی این سوانح می‌پردازد.

بحران‌های سیاسی ممکن است در اثر بروز سوانح طبیعی حادث شوند. پدیده‌های طبیعی مانند زمین‌لرزه‌ها، طوفان‌ها، آتش‌فشان‌ها، جزر و مد‌ها، بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها، آتش‌سوزی‌های طبیعی، طغیان رودخانه‌ها، شگافت زمین و خشکسالی به‌طور بالقوه خطر آفرینند و می‌توانند نظام‌های سیاسی را با آسیب‌های سیاسی مخرب مواجه کنند. تجارب تاریخی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بروز سوانح طبیعی در مراکز مهم سیاسی مثل پایتخت‌ها، بنابر مهم تجاری و شهری‌های پر جمعیت، نظام‌های سیاسی را با بحران‌های سیاسی متعددی مواجه کرده است. زلزله احتمالی تهران نیز ممکن است بحران‌های سیاسی به دنبال داشته باشد. شناخت این بحران‌ها به‌مسئولان نظام کمک می‌کند تا با دانش بیشتر آمادگی مقابله با آنها را داشته باشند. در این رابطه پای حرف‌های رسول افشلی، فارغ‌التحصیل دکترا و دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران نشستم. دکتر افشلی مجری طرح مطالعاتی در همین زمینه نیز بوده است.

متبادر می‌کند که در شرایط پس از زلزله و در نبود کامل امنیت چه وضعی پیش خواهد آمد. غیر از ویژگی‌های جمعیتی شهر، ساختار فیزیکی شهر تهران نیز ماهیتا نامتی‌های اجتماعی گسترده‌ای پدید می‌آورد. بزرگی و گستردگی شهر، طراحی نامناسب فضای شهری، خطر پذیری مراکز حیاتی شهر مثل مراکز آب، برق، گاز و... فرآیند مدیریت بحران پس از زلزله را با مشکل مواجه می‌کند و فضای مناسبی را در اختیار افراد و گروه‌های معاند قرار می‌دهد. افراد، گروه‌ها و باندهای کج‌رویی که در تهران تنها از این طریق ارتزاق می‌کنند، احتمالاً تجربه سوءاستفاده از فرآیند مدیریت بحران را در این شرایط مهارت و فاجعه‌آمیزتر تکرار می‌کنند.

این وضع در نبود یک مدیریت سازمان یافته، شرایط را برای فعالیت گروه‌های کمپین در ضربه زدن به نظام سیاسی فراهم می‌کند. کمپین‌ها ممکن است به چند شکل وارد عمل شوند: مثلاً این گروه‌ها با ایجاد شوب و تنش در میان جمعیت حاشیه‌نشین می‌توانند، به موج ناراضی‌های نسبی مردم از عملکرد ضعیف نظام در امداد رسانی به‌موقع دامن زده و شرایط را برای آشوب‌های سیاسی فراهم کنند. با توجه به این که در این زمان سسایر ارکان نظام سیاسی و به‌ویژه مراکز نظامی - امنیتی نیز دچار آسیب شده‌اند، آشوب‌ها و تنش‌های سیاسی به راحتی می‌تواند شعله‌ور شده و کل جامعه را درگیر کند. در سطحی گسترده‌تر، این گروه‌ها ممکن است با هدف راه‌اندازی انقلاب‌های سیاسی وارد عمل می‌شوند.

ولی شاید مهم‌تر از این مسأله که به وسیله

کرده و تحریکات گسترده‌ای علیه نظام سیاسی ایجاد کنند، زیرا این گروه‌ها به چنین فضاهایی نیاز دارند و استفاده از آن را به دلیل صرف کمترین هزینه و زمان، بهترین موقعیت برای پیش بردن اهداف خود می‌دانند.

در واقع از دحام جمعیت، امکانات مادی زیاد، پول و ثروت رها شده ناشی از تخریب زلزله و عدم مدیریت صحیح، افراد را جذب می‌کنند. انبوه جمعیت و کم‌رسانی به آسیب‌دیدگان بهانه مناسبی برای افراد است. قتل، غارت و فساد که در ذیل مقوله نامتی اجتماعی قرار می‌گیرند، پیامد این وضع است. به نظر شما اسکان موقت را هم یک عامل فشار بر نظام سیاسی قلمداد می‌کنید، حال آن که اساساً تجربه‌های جهانی هم نشان داده که اسکان موقت قابل قبول و استاندارد پتانسیل آن را نیز دارد که به‌عنوان ابزاری در جهت تقویت پایه‌های مشروعیتی نظام استفاده قرار گیرد؟

مراکز اسکان موقت پس از زلزله عمدتاً دارای ابعاد اجتماعی گسترده‌ای هستند، به‌طوری که می‌توان آنها را از هر دو جهت آسیب و فرصت، موضوع تحقیق خاصی قرار داد. اما از منظر ابعاد سیاسی دامنه مطالعه محدودتر می‌شود، چراکه مطالعه این ابعاد صرفاً در شهرهایی که به لحاظ سیاسی و استراتژیک مهم محسوب می‌شوند، عملی است.

فکر می‌کنم تهران از هر نظری دارای این ویژگی باشد؟ بله، هست و ما باید به آن توجه کنیم اما قبل از آن می‌توان گفت، در یک نگاه کلی، متغیرهای تعیین‌کننده آسیب‌ها و فرصت‌های ناشی از اسکان موقت شامل هر دو بعد انسانی و فیزیکی حاشیه‌نشینی می‌شوند. از بعد انسانی میزان ازدحام و تراکم جمعیت، در تکیب نسبی جمعیت، ویژگی‌های روحی و روانی جمعیت، مشارکت گروه‌های داخلی و خارجی در اسکان و نوع مدیریت و از بعد فیزیکی محل یا منطقه مورد نظر برای اسکان موقت، نحوه اسکان و امکانات به کار رفته در مراکز اسکان موقت تعیین‌کننده‌اند. ازدحام و تکیب جمعیت در مراکز اسکان موقت، مسأله مهمی در نحوه مدیریت آن محسوب می‌شود.

از اوضاع و احوال بستگان به این شهر مسافرت می‌کنند، عده‌ای به دلیل اسامد و نجات و کمک به مردم آسیب‌دیده و عده‌ای برای به دست آوردن منافع فردی و سودجویی وارد تهران می‌شوند، مانند آنچه در بم اتفاق افتاد. در هر حال، به هر دلیل که مردم به تهران مهاجرت می‌کنند، این شهر با افزایش و تراکم شدید جمعیت مواجه خواهد شد. اینها چطور تأثیری می‌گذارد؟

مهمترین پیامد سیاسی این امر، ایجاد جامعه توده‌ای غیرعقلانی و مهیاسی حرکت به سمت‌وسوی سیاسی خاصی است. در چنین فضایی احتمال دارد افراد یا گروه‌های مخالف ظهور

موقت، قدرت کنترل و مدیریت صحیح را سلب خواهد کرد و پتانسیل‌های لازم را برای بروز آشوب و تنش سیاسی پدید می‌آورد.

اما من هنوز پاسخم را نگر فتم، چطور این اسکان که البته برای مسئولان بحران گریزناپذیر هم است می‌تواند به‌عنوان عامل فشار بر نظام سیاسی عمل کند؟

تکیب جمعیت مراکز اسکان موقت نامتجانس است. در واقع ترکیب نامتجانس گروه‌ها و اقوام مختلف و پر رنگ شدن اختلافات و نزاع‌های گروهی و قومی از جانب محرکان داخلی و خارجی احتمال بروز نزاع‌های شدید قومی را بیشتر می‌کند. به لحاظ روحی و روانی نیز این جمعیت وضع مناسبی ندارد. اضطراب و استرس ناشی از آسیب‌های جانی و مالی، افراد را خود به‌خود در آسیب قرار می‌دهد و طبعاً عدم مدیریت صحیح در اسکان دادن مردم در حاشیه‌ها و همچنین در برآوردن به‌موقع نیازها و انتظارات آنها پتانسیل بحران‌زایی دارد.

در این شرایط نوع مواجهه ما با این بحران قریب‌الوقوع باید چطور باشد، البته منظورم از ما ساختار یا سیستم تصمیم‌گیر سیاسی کشور است؟

به‌طور کلی برای مدیریت بهینه این آسیب‌پذیری‌ها می‌توان به ۲ دسته اقدامات مدیریتی قبل از زلزله، اقدامات مدیریتی حین زلزله، اقدامات مدیریتی پس از زلزله و اقدامات مدیریتی بلندمدت‌توسل جست.

این می‌تواند شامل تمام مراحل مدیریت بحران باشد، یعنی این امر بر حمایت‌های روانی از بحران‌زدگان یا نحوه بهداشت و تغذیه آنها هم حاکم است؟

یقیناً که موضوع بحث ما نیز خارج از مباحث کلان مدیریت بحران نیست و به همین دلیل از الگوهای آن هم پیروی می‌کند.

اما اگر بخواهیم ریزتر شویم، یعنی این که بخواهیم شما به‌عنوان پژوهشگری که این موضوع را مطالعه کرده‌اید، راهکارهای مشخصی هم به مسئولان ارائه بدهید، چطور؟

به نظر من مهمترین کار باید انجام مطالعات و تحقیقات تخصصی لازم برای تعیین منطقه خاصی در اطراف شهر تهران باشد. این محل باید علاوه بر ویژگی‌های جغرافیایی مناسب مثل میزان فاصله با شهرهای دیگر و همچنین دسترسی به امکانات و خدمات شهری، به لحاظ امنیتی نیز ویژگی‌ها و شرایط لازم را دارا باشد. پس از تعیین محل، اقدامات تأمینی لازم باید در آن صورت گیرد. پیش‌بینی ایجاد پایگاه‌های نظامی در محل، تعبیه سیستم‌های شنود و تشکیل تیم ویژه نظامی - امنیتی برای تأمین امنیت لازم در محل از مهمترین اقداماتی است که از قبل باید پیش‌بینی و انجام شود.

ادامه در صفحه ۱۰